سیاست

عراقچی: در خاورمیانه امنیت پایدار نمی‌تواند از بیرون منطقه دیکته شود

سـیدعباس عراقچی با انتقاد از شرایط کنونی حاکم بر عرصه بین‌الملل گفت: اکنون الگویی خطرناک شکل گرفته است؛ الگویی که در آن زور نظامی دیگر به عنوان آخرین راه‌حل مورد اسـتفاده قـرار نمی‌گیرد، بلکه به سازوکاری دایمی برای بازطراحی چشم‌انداز سیاسی و امنیتی منطقه تبدیل شده است. سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه کشورمان روز شنبه به صورت برخط در کنفرانـس «فراخوانی برای یـک چرخش جهانی: بازگرداندن توسعه به مرکز توجه، احیای کرامت انسانی و بازسـازی عدالـت در جهانی پرآشـوب» در مجمع گفت‌وگوی جهانی ۲۰۲۶ به میزبانی انجمن سیاست خارجی اندونزی سخنرانی کرد.

متن سخنرانی وزیر خارجه کشورمان به شرح زیر است:

«عالیجنابان، میهمانان ارجمند، خانم‌ها و آقایان،

امروز در اینجا گردهم آمده‌ایم تا درباره عنوانی سـخن بگوییم که نه‌تنها بازتاب‌دهنده چالش‌های پیش روی ما، بلکه بیانگر مسوولیتی است که همگی بر دوش داریم: «فراخوان برای یک چرخش جهانی؛ بازگرداندن توسعه به کانون توجه، احیای انسانیت و استقرار دوباره عدالت در جهانی آشفته‌تر.» دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم، بیش از هر زمان دیگری به یک تغییر مسیر بنیادین نیاز دارد؛ چراکه در آن جنگ، مداخله، تحریم و اعمال زور، به جای آنکه استثنا باشند، به ابزارهای عادی سیاست تبدیل شده‌اند. حال پرسش اساسی این است: چگونه به این نقطه رسیده‌ایم؟ چگونه نظامی که برای جلوگیری از جنگ، حمایت از صلح، حراسـت از کرامت انسـان و تضمین اجرای عدالت بنا شده بود، امروز در برابر تجاوز، کشتار غیرنظامیان و نقض آشکار حقوق بین‌الملل تا این اندازه ناتوان شده است؟

پاسخ را باید در یک واقعیت تلخ جست‌وجو کرد: دهه‌ها مداخله خارجی، فشار نظامی و جنگ‌های بی‌پایان در خاورمیانه، یک حقیقت انکارناپذیر را به اثبات رسـانده است: مداخله نظامی، امنیت ایجاد نمی‌کند و اعمال فشار و اجبار نیز به صلح منجر نمی‌شود. در عوض، جنگ به عنوان یکی از ابزارهای اصلی روابط بین‌الملل عادی شده و به تداوم الگویی از تقابل و منازعه دایمی انجامیده است. تراژدی غزه و جنایات مسـتمر ارتکابی از سـوی رژیم اسراییل، از روشـن‌ترین و هولناک‌ترین جلوه‌های این الگوی شکسـت‌خورده اسـت. آنچه در غزه می‌گذرد، صرفاً یک تراژدی انسـانی نیست؛ آزمونی برای وجدان و مسـوولیت جمعی جامعه بین‌المللی اسـت. کشتار غیرنظامیان، آوارگی اجباری، مجازات جمعی و تخریب زیرسـاخت‌های حیاتی، زمانی که بدون پاسـخگویی موثر باقی مانـد، به لبنان هم گسـترش یافت. اکنون الگویی خطرناک شـکل گرفته است؛ الگویی که در آن زور نظامی دیگر به عنوان آخرین راه‌حل مورد استفاده قرار نمی‌گیرد، بلکه به سازوکاری دایمی برای بازطراحی چشم‌انداز سیاسی و امنیتی منطقه تبدیل شده است. در چنین شرایطی، تجاوز عادی می‌شود، تشدید تنش نهادینه می‌شود و ویرانی، از یک پیامد جنگ به ابزاری برای پیشبرد اهداف سیاسی تبدیل می‌گردد. این روند در مرزهـای غـزه و لبنان متوقف نشـد. تجاوز نظامی ایالات متحده و رژیم اسـراییل علیه ایران نیز در همین چارچوب قابل فهم است؛ جنگی که غیرقانونی، ناعادلانه و تجاوزکارانه و بدون هیچ تحرک قبلی بود. این جنگ بخشی از الگوی گسترده‌تر از تجاوزهای بدون مجازات، از جمله کارزار ترورهای هدفمند مسوولان ایرانی، تهدید علیه مقامات و شخصیت‌های سیاسی، نقض حاکمیت کشورها و بی‌کیفرمانی اقدامات تجاوزکارانه است. اگر با واکنش موثر جامعه بین‌المللی مواجه نشوند، به‌تدریج مرزهای ممنوعه حقوق بین‌الملـل را از میان خواهند برد. چنین سیاست‌هایی نتایجی جز فاجعه کشتار ۱۶۸ دانش‌آموز بی‌گناه در میناب نخواهد داشت. کشته‌شدگان اینگونه جنایات تنها اعدادی در میان آمار قربانیان جنگ نیستند. پشت هر یک از این جان‌های از دست‌رفته، یک خانواده، یک آینده و یک زندگی قرار داشت. این همان نقطه‌ای است که باید از خود بپرسیم: تا کجا؟ چه زمانی می‌گوییم دیگر بس است؟

خانم‌ها و آقایان،

اگر حقوق بین‌الملل زمانی که منافع قدرت‌های بزرگ اقتضا می‌کند نادیده گرفته شـود، دیگـر نمی‌توان از حاکمیت قانون سـخن گفـت. اگر حقوق بشـر برای برخی ملت‌ها حقی ذاتی و بـرای برخی دیگر امتیازی مشروط باشد، دیگر نمی‌توان آن را جهانشمول نامید. اگر نهادهای بین‌المللی، از جمله سـازمان ملل متحد، نتوانند در برابر تجاوز ایسـتادگی کنند و عاملان نقض حقوق بین‌الملل را پاسخگو سـازند، طبیعی است که اعتبار و مشروعیت این نهادها آسیب ببینند. اما راه‌حل، کنار گذاشتن چندجانبه‌گرایی نیست. برعکس، جهان امروز بیش از هر زمان دیگری به چندجانبه‌گرایی واقعی، موثر و عادلانه نیاز دارد. چرخش جهانی مستلزم اراده و شجاعت سیاسی برای تغییر مسیر حرکت کنونی است: از نظامی‌گری به سوی توسعه پایدار، از مداخله‌گرایی به سوی احترام به حاکمیت ملی، از مجازات جمعی به سوی حمایت از غیرنظامیان، از پاسخگویی گزینشی به سوی عدالت جهان‌شـمول، و از جنگ‌های بی‌پایان به سوی صلحی پایدار. این تغییر مسیر یک انتخاب آرمان‌گرایانه نیسـت؛ یک ضرورت است. باید بپذیریم که هر جنگی هزینه‌ای بسیار فراتر از میدان نبرد دارد. هزینه جنگ‌ها را مالیات‌دهندگان می‌پردازند، اما سنگین‌ترین بهای آن را مردم عادی با جـان، خون، خانه، آینده و امنیت خود می‌پردازند. جهان به یک نسل دیگر از جنگ‌های بی‌پایان نیاز ندارد. به استقرار نیروهای نظامی بیشتر نیاز ندارد. به مداخله بیشتر و خونریزی بیشتر نیاز ندارد. آنچه جهان نیاز دارد، یک پارادایم جدید است؛ پارادایمی که در آن توسعه، بخشی از امنیت تلقی شود؛ حاکمیت کشورها محترم شمرده شود؛ حقوق بین‌الملل بدون تبعیض و به‌طور برابر بر همگان اعمال گردد؛ و هیچ منفعت سیاسی، راهبردی یا ژئوپلیتیکی بر جان انسان‌ها اولویت پیدا نکند. در خاورمیانه، امنیـت پایدار نمی‌تواند از بیرون منطقه دیکته شود. امنیت منطقه باید متعلق به خود منطقه باشد. کشورهای منطقه باید بتوانند درباره امنیت، ثبات، توسعه و آینده مشترک خود گفت‌وگو کنند و راه‌حل‌های خود را بدون مداخله قدرت‌های خارجی بیابند. برای جمهوری اسلامی ایران، این صرفاً یک دیدگاه نظری نیست. این رویکرد، حاصل تجربه‌ای تاریخی و درسی است که ملت ایران هزینه‌های سـنگینی برای آن پرداخته است. ما باور داریم امنیت پایدار از مسیر گفت‌وگو، اعتمادسازی، همکاری و احترام متقابل میان کشورهای منطقه حاصل می‌شود، نه از مسیر حضور نظامی قدرت‌های خارجی و تحمیل اراده آنان.

عالیجنابان

جامعه بین‌المللی امـروز در برابر یک انتخاب تاریخی و تمدنی قرار دارد. می‌توانیم همین مسیر را ادامه دهیم؛ مسیر نظامی‌گری، مداخله، تقابل و جنگ‌های بی‌پایان. یا می‌توانیم اراده و شجاعت تغییر مسیر را داشته باشیم.

ماموریت دشوار وزارت اقتصاد دولت پزشکیان

اصلاح بانکی؛ گره‌ای که گشایش آن سال‌ها به تعویق افتاد

اصلاح سـاختار اقتصاد ایران سال‌هاسـت بـه یکی از مهم‌ترین اهداف سیاست‌گذاری اقتصادی تبدیل شده است؛ هدفی که تقریباً همه دولت‌ها از آن سخن گفته‌اند، اما اجرای آن همواره میان ضرورت اقتصادی و هزینه‌های اجتماعی متوقف مانده است. از اصلاح یارانه‌ها و نظام ارزی گرفته تا کوچک‌سازی دولت و ساماندهی شبکه بانکی، بسـیاری از برنامه‌های کلان یا نیمه‌تمام مانده‌اند یا در مقاطع مختلف به دلیل بحران‌های کوتاه‌مدت به تعویق افتاده‌اند. امروز نیز با وجود آنکه اقتصاد ایران همزمان با تورم مزمن، ناترازی بودجه و پیامدهای جنگ و تحریم روبه‌رو است، یک محور بیش از گذشته در کانون توجه قرار گرفته؛ اصلاح ساختار بانک‌های دولتی، موضوعی که وزیـر امور اقتصادی و دارایـی از آن به عنوان یکی از اولویت‌های اصلی دولت چهاردهم یاد کرده و معتقد است بدون ساماندهی نظام بانکی، مهار پایدار تورم و بازگشت ثبات به اقتصاد دشوار خواهد بود.

اصلاحی که همیشه ضروری بود

اقتصاددانان سال‌هاست بر یک نکته اتفاق نظر دارند؛ تورم ایران صرفاً نتیجه افزایش قیمت‌ها نیست، بلکه محصول مجموعه‌ای از ناترازی‌های ساختاری است. در این میان، شبکه بانکی به دلیل نقش آن در خلق نقدینگی، تأمین مالی دولت و تأمین سرمایه در گردش بنگاه‌ها، به یکی از حساس‌ترین بخش‌های اقتصاد تبدیل شده است. با این حال، هر بار که بحث اصلاح بانک‌ها مطرح شده، نگرانی از پیامدهای آن نیز به همان اندازه جدی بوده است. اصلاح یک بانک ناتراز ممکن است به کاهش تسهیلات، فشار بر بنگاه‌ها یا حتی نگرانی سپرده‌گذاران منجر شود؛ به همین دلیل دولت‌ها اغلب ترجیح داده‌اند بحران را مدیریت کنند، نه اینکه آن را به‌شکل ریشه‌ای حل کنند. نتیجه این تعویق، تداوم چرخه‌ای بوده که در آن رشـد نقدینگی، کسری بودجه، ناترازی بانک‌ها و تورم یکدیگر را تقویت کرده‌اند.

چرا بانک‌ها در مرکز اصلاحات قرار گرفته‌اند؟

بانک در اقتصاد ایران تنها یک واسطه مالی نیست؛ ستون اصلی تأمین مالی تولید نیز محسـوب می‌شود. بخش بزرگی از صنایع، بنگاه‌های کوچک و متوسـط و حتی پروژه‌های عمرانی، سـرمایه در گردش خود را از شبکه بانکی دریافت می‌کنند. به همین دلیل هرگونه اصلاح در این حوزه باید همزمان دو هدف را دنبال کند: جلوگیری از خلق نقدینگی تورم‌زا و حفظ جریان تأمین مالی تولید. وزارت اقتصاد در ماه‌های اخیر اعلام کرده است برنامه‌ای برای بازنگری در ساختار بانک‌های دولتی و ساماندهی بانک‌های ناتراز در دستور کار قرار دارد. این رویکرد بر آن است که اصلاحات بدون ایجاد تنش در بازار پول و بدون آسیب به سپرده‌گذاران انجام شود؛ مدلی که تفاوت آن با سیاست‌های شوک‌درمانی گذشـته، تدریجی بودن فرآیند اصلاح است.

ناترازی؛ زخمی قدیمی در نظام مالی

یکـی از مهم‌ترین مشـکلات شـبکه بانکـی، ناترازی ترازنامه‌هاسـت. زمانی که یک بانـک منابع کافی برای پاسـخ‌گویی به تعهدات خود ندارد، ناچار به استقراض از بانک مرکزی یا اسـتفاده از ابزارهـای پرهزینه مالی می‌شـود؛ فرآیندی که درنهایت می‌توانـد پایه پولی و نقدینگی را افزایش دهد. در سـال‌های گذشـته بارها اقتصاددانان هشدار داده‌اند که ادامه فعالیت بانک‌های زیان‌ده بدون اصلاح ساختاری، هزینه آن را به کل اقتصاد منتقل می‌کند. زیرا هر واحد نقدینگی جدیدی که بدون پشـتوانه تولید وارد اقتصاد شـود، دیر یا زود خود را در قالب افزایش قیمت کالاها، ارز، مسکن یا دارایی‌ها نشان می‌دهد. از همیـن رو، اصلاح بانک‌ها صرفاً یک موضوع بانکی نیست؛ بلکه بخشی از سیاست ضدتورمی کشور محسوب می‌شود.

تورم؛ محصول مجموعه‌ای از ناترازی‌ها

اگرچه درباره سهم دقیق بانک‌ها در ایجاد تورم اختلاف‌نظر وجود دارد، اما تقریباً همه تحلیلگران بر این باورند که رشد بی‌ضابطه نقدینگی یکی از مهم‌ترین موتورهای تورم در اقتصاد ایران است. در کنار آن، کسری بودجه، وابستگی دولت به منابع بانکی، شوک‌های ارزی و محدودیت‌های ناشـی از تحریم نیز به این چرخه دامـن زده‌اند. دولت چهاردهم نیز بارها تأکید کرده که مهار تورم بدون اصلاح همزمان سیاسـت‌های پولی و مالی ممکن نیسـت. به همین دلیل کنترل اضافه‌برداشـت بانک‌ها، نظارت بر بانک‌های ناتراز و افزایش انضباط مالی به عنوان سه محور اصلی اصلاحات مطرح شده‌اند. در واقع، هدف نهایی این سیاست‌ها کاهش سـرعت خلق پول و هدایت منابع به سمت فعالیت‌های مولد اسـت؛ نه صرفاً محدود کردن اعطای تسهیلات.

جنگ، تحریم و تعویق اصلاحات

واقعیت آن اسـت که اصلاحات اقتصـادی در خلأ انجام نمی‌شـود. اقتصاد ایران طی یک سـال گذشته علاوه بر تورم مزمن، با پیامدهای جنگ، محدودیت‌های تجاری و فشارهای تحریمی نیز روبه‌رو بوده است. همین شرایط باعث شده بسیاری از تصمیم‌های بلندمدت در اولویت دوم قرار گیرند و تمرکز دولت بیشتر بر مدیریت بحران، تأمین کالاهای اساسی و حفظ ثبات بازار باشد. اما همین تعویق‌ها هزینه دارد. هرچه اصلاح ساختار بانک‌ها دیرتر آغاز شود، حجم دارایی‌های منجمد، مطالبات غیرجاری و ناترازی ترازنامه‌ها بزرگ‌تر می‌شـود و اصلاح نهایی نیز دشوارتر خواهد شد. به همین دلیل بسیاری از اقتصاددانان معتقدند اکنون شاید آخرین فرصت برای آغاز یک اصلاح تدریجی و کم‌هزینه باشد؛ اصلاحی که پیش از تبدیل شدن ناترازی‌ها به یک بحران فراگیر، نظام بانکی را بازآرایی کند. مسـاله ناترازی بانک‌ها طی سال‌های اخیر به یکی از چالش‌های اصلی نظام بانکی کشور تبدیل شـده است؛ چالشی که فقط به کمبود سرمایه یا افزایش مطالبات معوق محدود نمی‌شود و ابعاد مختلفی از جمله کیفیت دارایی‌ها، ساختار درآمد و هزینه، بنگاه‌داری، نحوه تخصیص منابع و ضعف شفافیت صورت‌های مالی بانک‌ها را در بر می‌گیرد. در چنین شرایطی، اظهارات اخیر سـیدعلی مدنی‌زاده، وزیر امور اقتصادی و دارایی درباره اصلاح ساختار بانک‌های دولتی را می‌توان نشانه‌ای از تغییر رویکرد وزارت اقتصاد نسبت به مساله ناترازی دانست؛ رویکردی که در آن قرار است اصلاح بانک‌ها به‌صورت جداگانه و متناسب با ویژگی‌های هر بانک دنبال شود، نه اینکه برای همه بانک‌ها نسخه‌ای واحد تجویز شـود. مدنی‌زاده در مجمع عمومی یکی از بانک‌ها اعلام کرد که وزارت اقتصاد در حال تدوین برنامه‌ای جامع برای اصلاح ساختار تک‌تک بانک‌های دولتی است. به گفته او، برنامه اصلاح ساختار هر بانک با هماهنگی معاونت بانکی و بیمه وزارت اقتصاد تهیه شده و قرار است از اول مهر ماه به ترتیب بررسی و نهایی شود. این اظهارات در شرایطی مطرح می‌شود که اصلاح ناترازی بانک‌ها، بدون شناخت دقیق وضعیت هر بانک و منشـأ مشکلات آن، عملاً امکان‌پذیر نیست. ساختار دارایی‌ها و بدهی‌ها، نسبت کفایت سرمایه، میزان مطالبات غیرجاری، دارایی‌های منجمد و بنگاه‌داری هر بانک شرایط متفاوتی دارد و طبیعتاً برنامه اصلاحی نیز باید متناسب با همین تفاوت‌ها طراحی شود.

شفافیت؛ پیش‌شرط اصلاح بانک‌ها

یکی از محورهـای مهم برنامه‌ای که وزیر اقتصاد مطرح کرده، افزایش شفافیت اطلاعات بانک‌های دولتی است. مدنی‌زاده تاکید کرده که از سال آینده مجامع بانک‌های دولتی باید مطابق اسـتانداردهای شرکت‌های بورسی برگزار شـود و صورت‌های مالی این بانک‌ها نیز به شکل منظم و در فواصل سه ماهه ارایه شود. اهمیت این موضوع از آن جهت اسـت که اصلاح ناترازی، بدون دسترسـی بـه اطلاعات به روز و قابل اتکا دشـوار خواهد بود. وقتی صورت‌های مالی بانک‌ها با فاصله زمانی طولانی منتشر شود، ارزیابی روند تغییرات دارایی‌ها، بدهی‌ها، درآمدها و هزینه‌ها برای ذی‌نفعان و حتی سیاست‌گذار با تاخیر انجام می‌شود. وزیر اقتصاد نیز در همین راستا خواستار آن شده که اطلاعات مالـی بانک‌های دولتی در نهایت به صورت شفاف و آنلاین در اختیار عموم قرار گیرد.

اصلاح ترازنامه نقطه اصلی برنامه وزارت اقتصاد

بخش دیگری از اظهارات وزیر اقتصاد به اصلاح ساختار و ترازنامه بانک‌ها مربوط می‌شود. ترازنامه در واقع تصویری از وضعیت مالی بانک اسـت و مشکلاتی مانند انباشت مطالبات غیرجـاری، دارایی‌های کم‌بـازده یا منجمد، سرمایه ناکافی و عدم تعادل میان منابع و مصارف می‌تواند در آن منعکس شود. از این منظر، اصلاح ساختار بانک‌ها باید فراتر از تزریق منابع یا افزایش سرمایه مقطعی باشد. اگر مشکلات بنیادی بانک برطرف نشود، منابع جدید نیز ممکن است در مدت کوتاهی دوباره به ناترازی منجر شود.

برنامه‌ای که مدنی‌زاده از آن سـخن گفته، از این جهت قابل توجه است که قرار است برای هر بانک برنامه اصلاح ساختار جداگانه تدوین شود. این برنامه می‌تواند بانک را در معرض مجموعه‌ای از شاخص‌های مشخص قرار دهد تا مشـخص شـود در یک بازه زمانی معین چه میزان از مشکلات ساختاری آن برطرف شده است.

هدایت منابع بانکی به سمت پروژه‌های پیشران

یکی دیگر از محورهای مـورد تأکید وزیر اقتصاد، نحوه تخصیص منابع بانک‌های دولتی است. مدنی‌زاده گفته اسـت بانک‌های دولتی زیرمجموعـه وزارت اقتصاد بر اساس برنامه‌های راهبردی دولت در پروژه‌های پیشران و ارزآور مشـارکت خواهند کرد. در عین حال، او تأکید کرده که این رویکرد به معنای دسـتورمحوری نیست و انتخاب پروژه‌ها باید بر اساس تخصص و ساختار هر بانک انجام شود. این بخش از سیاست وزارت اقتصاد، ارتباط مستقیمی با اصلاح ساختار بانک‌ها دارد. یکی از مسائل مهم نظام بانکی، کیفیت تخصیص منابع است؛ به این معنا که منابع بانکی باید به سمت فعالیت‌هایی هدایت شود که علاوه بر ایجاد ارزش افزوده، توان بازپرداخت تسهیلات و ایجاد جریان درآمدی پایدار برای بانک را نیز داشته باشند. مدنی‌زاده همچنین بر استفاده بیشتر از ابزارهای نوین بانکی تأکید کرده است. اشاره او به ابزارهایی مانند اوراق گام و کارت‌های الکترونیکی برای صادرکنندگان، نشان می‌دهد که سیاست وزارت اقتصاد صرفاً بر افزایش حجم تسـهیلات بانکی استوار نیسـت. همچنین استفاده از ابزارهای تأمین مالی زنجیره‌ای می‌تواند به بانک اجازه دهد منابع خود را هدفمندتر در اختیار بخش تولید قرار دهد و در عین حال فشار کمتری بر منابع نقد بانک وارد شود. در این مدل، تأمین مالی به جای تمرکز صرف بر یک بنگاه، در زنجیره تولید و میان حلقه‌های مختلف آن انجام می‌شود. با وجود این برنامه‌ها، اصـلاح ناترازی بانک‌ها فرآیندی زمان‌بر است و نمی‌توان انتظار داشت با یک تصمیم یا یک اقدام، مشـکلات انباشته شده نظام بانکی برطرف شود. اصلاح ساختار سرمایه، تعیین تکلیف دارایی‌های منجمد، کنترل رشد نامتوازن ترازنامه، بهبود کیفیت تسهیلات، افزایش درآمدهای پایدار و کاهش هزینه‌های غیرضروری، مجموعه‌ای از اقداماتی است که باید همزمان دنبال شود.

اصلاح بدون شوک مسیر دشوار اما ضروری

تجربه اقتصاد ایران نشان داده است که اصلاحات ناگهانی، اگر بدون پشتوانه اجتماعی و برنامه اجرایی انجام شوند، می‌توانند خود به منبع بی‌ثباتی تبدیل شوند. از این رو، آنچه امروز درباره اصلاح بانک‌های دولتی مطرح می‌شود، بیش از آنکه یک تغییر دفعی باشد، تلاش برای بازسازی تدریجی ساختار مالی کشـور است. کاهش بنگاه‌داری بانک‌ها، ساماندهی دارایی‌های غیرمولد، افزایش شفافیت ترازنامه‌ها، کنترل خلق اعتبار و تقویت نظارت بر بانک‌های دولتی و خصوصی، مجموعه اقداماتی است که می‌تواند همزمان به کاهش تورم و افزایش کارایی نظام مالی کمک کند. در نهایت، اصلاح سـاختار بانکـی نه یک انتخاب سیاسی، بلکه یک ضرورت اقتصادی است. اگر این مسیر با انضباط مالی، حمایت از تولید و پرهیز از سیاست‌های تورم‌زا همراه شود، می‌تواند زمینه بازگشت ثبات به اقتصاد را فراهم کند. اما اگر مانند بسیاری از سال‌های گذشته بار دیگر به دلیل بحران‌های کوتاه‌مدت به تعویق بیفتد، هزینه اصلاح در آینده به مراتب سنگین‌تر خواهد بود؛ هزینه‌ای که در نهایت بیش از همه بر دوش معیشت مردم و قدرت خرید خانوارها خواهد نشست.

معاون تشریفات دفتر رییس جمهور:

رییس جمهور حتی موافق بیان دروغ به اصطلاح مصلحت‌آمیز هم نیست

معاون مراسم و تشریفات دفتر رییس جمهور، با انتقاد از برخی روایت‌ها درباره نقش رییس جمهور در سیاسـت خارجی گفت: یکی از جفاهایی که به پزشکیان می‌شود این است که نقش او را کمرنگ جلوه می‌دهند؛ بخشی از این موضوع به خصلت و روحیه خود او برمی‌گردد، چراکه پزشکیان نمی‌خواهد خودش را بزرگ و برجسته کند. او عملگرا و نتیجه‌گراست. سیدعباس موسوی در گفت‌وگو با معاونت ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر رییس جمهور، با تشـریح برخـی ویژگی‌های شـخصیتی و مدیریتی دکتر مسعود پزشـکیان، از پشتکار، صداقت، صراحت، مردمداری و شجاعت رییس جمهور در مواجهه با بحران‌ها سخن گفت و با اشـاره به عملکرد او در جنگ ۱۲ روزه و پس از آن، تأکید کرد که پزشـکیان در عین پایبندی به وفاق و پرهیز از اختلاف، هرجا پای حقوق و مطالبات مردم در میان باشـد، با جدیت وارد میدان می‌شود. موسوی همچنین از نقش رییس جمهور در تصمیمات سیاست خارجی، دوره فعالیت شورای رهبری، تأکید او بر شفافیت درباره حوادث کشـور، توجه به حق مردم برای دانستن واقعیت‌ها و برخـی ویژگی‌های کمتر دیده‌شـده او در حوزه تشریفات و سفرهای داخلی و خارجی روایت کرد.

پزشکیان همان پزشکیان روز اول است اما جدیت و پشتکارش مضاعف شده است

معاون مراسم و تشـریفات دفتر رییس جمهور، با اشاره به ویژگی‌های شخصیتی دکتر پزشـکیان اظهار کرد: رییس جمهور ویژگی‌های منحصر بـه فردی دارد که با شخصیت او عجین شده است؛ طبیعتاً در شرایط متفاوت و در واکنش به موقعیت‌های مختلف ممکن است رفتارها و واکنش‌های او تغییر کند، اما شخصیت و کاراکتر اصلی پزشکیان، یعنی پشتکار، همت، صداقت و دلسوزی، تغییر نکرده و همان پزشکیانی است که از روز اول می‌شناختیم. وی ادامه داد: با این حال، در واکنش به شـرایط، جدیت رییس جمهور را بیـش از پیش و همت و پشـتکار او را مضاعف دیده‌ام. گاهی احساس می‌کردیم شرایط برای ایشان چندان متفاوت نشده است؛ به این معنا که هرچه شرایط سخت‌تر می‌شد، نه‌تنها عقب نمی‌نشست، بلکه در مواردی واکنش‌هایش نیز جدی‌تر و حتی تندتر می‌شد.

دعوا نشود؛ خط قرمز پزشکیان

موسوی با اشاره به تأکید همیشگی رییس جمهور بر وفاق و انسجام ملی گفت: پزشکیان یک خط قرمز برای خودش دارد و آن این است که دعوا نشود و اختلاف ایجاد نشود. او مرتب بر این موضوع تأکید می‌کند و معتقد است با وفاق، وحدت و انسجام، کار بهتر پیش می‌رود.

معاون مراسم و تشـریفات دفتر رییس جمهور افزود: در برخی موارد که ما با ایشان خلوت می‌کردیم یا در جمع‌های کوچک‌تـر بودیم، گاهی گله می‌کردیم که خوب اسـت در فلان مساله یا موضوع قدری بیشتر وارد عمل شوند یا صحبت کنند. پاسخ ایشان این بود که اگر بخواهم با دعوا کار را پیش ببرم، می‌توانم دستور بدهم و حتی شدید اقدام کنم، اما تبعات دعوا برای من مهم نیسـت؛ برای کشور و به‌ویژه در شرایط جنگی که در آن قرار داریم، مناسب نیست. وی تأکید کرد: البته یک جایی کار به استخوان می‌رسد و اگر ادامه یک روند باعث شود همان وفاق ملی که مورد تأکید رییس جمهور و مقام معظم رهبری است، خدشه‌دار شود، پزشکیان وارد میدان می‌شود و با جدیت برخورد می‌کند.

بعد از جنگ؛ وقتی پای حقوق مردم در میان بود

موسوی یکی از نمونه‌های این رفتار را موضوع دسترسی به اینترنت بین‌الملل پس از جنگ دانسـت و گفت: در زمان جنگ بـرای محدودیت‌های اینترنتی توجیهاتی وجود داشت و مردم نیز آن را می‌پذیرفتند، اما بعد از جنگ به‌تدریج آن توجیهات و منطق کمرنگ شد و مطالبه مردم برای باز شـدن اینترنت افزایش پیدا کرد. در بسیاری از نظرسنجی‌هایی که نهادهای دولتی و غیردولتی انجام می‌دادند، موضوع اینترنت به‌ویژه برای جوانان، به یکی از مطالبات اصلی تبدیل شـده بود. در کسب‌وکارها نیز آثار این محدودیت‌ها کاملاً دیده می‌شد. رییس جمهور چندین بار درباره این موضوع صحبت و حتی دستورهایی صادر کرده بود، اما موانعی ایجاد شد. موسوی ادامه داد: در نهایت راهکاری که به ذهن رییس جمهور رسید این بود که ستادی زیرنظر دکتر عارف تشکیل شود. این ستاد پس از یکی، دو جلسه به این جمع‌بندی رسید که اینترنت بین‌الملل باید برای مردم، کسـب‌وکارها، دانشجویان، دانشگاهیان و حتی دیپلمات‌های خارجی در دسترس باشد، چراکه کشور ما در سال‌های اخیر به فضای اینترنت وابستگی پیدا کرده است.

معاون مراسـم و تشریفات دفتر رییس جمهور با اشاره به موانعی که پس از این تصمیم ایجاد شد، اظهار کرد: ظرف ۲۴ ساعت دوباره مانعی جدید ایجاد شد. من شاهد بودم همان روز که این خبر آمد، در خدمت رییس جمهور بودیم و ایشان به‌شـدت ناراحت شدند و گفتند اینجا دیگر پای حقوق مردم در میان است و نباید کوتاه آمد. رییس جمهور همان جا با دکتر عارف، سرپرست وزارت اطلاعات و وزیر ارتباطات صحبت کرد و اکیداً دستور داد مصوبات اجرا شود که خوشبختانه این موضوع تا امروز برقرار است.

وی تأکید کرد: این نشان می‌دهد که اگرچه پزشکیان خط قرمز خود را دعوا نکردن و خدشه‌دار نشدن وفاق قرار داده، اما هرجا پای حقوق و مطالبات مردم در میان باشد، شاهد یک چهره متفاوت از او هستیم.

پزشکیان اگر احساس کند وفاق دستاویزی برای جلوگیری از مطالبات مردم شده، واکنش نشان می‌دهد

موسوی با اشاره به یک جلسه شورای عالی فضای مجازی گفت: در جلسه‌ای قرار بود برخی اپلیکیشن‌ها باز شوند، اما دوباره ایرادهایی مطرح شد که رییس جمهور به‌شدت ناراحت و عصبانی شد. سـران قوا، از جمله دکتر قالیباف و حجت‌الاسـلام اژه‌ای، در آن جلسه حضور داشتند و به نوعی ایشان را آرام کردند و جلسه ادامه پیدا کرد تا به نتیجه مطلوب رسید. وی ادامه داد: بعضی‌ها نباید فکر کنند اگر پزشکیان می‌گوید وفاق باشـد و دعوا نباشد، می‌توانند از همین موضوع اسـتفاده یا سوءاستفاده کنند و جلوی پروژه‌ها یا مطالبات مردم را بگیرند. اگر چنین اتفاقی بیفتد، ممکن است هرچه جلوتر برویم با پزشکیان متفاوت‌تری روبه‌رو شویم.

شجاعت پزشکیان در سخت‌ترین روزهای جنگ

معاون مراسم و تشریفات دفتر رییس جمهور، شجاعت را یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های پزشـکیان دانسـت و گفت: در جنگ ۱۲ روزه این ویژگی را به‌خوبی دیدیم و در جنگ ۴۰ روزه حتی بیشتر شاهد آن بودیم؛ با وجود اینکه تهدیدها بیشتر شده بود و احتمال ترور و شهادت رییس جمهور وجود داشت، او بارها اعلام کرد که اصلاً به این مسائل فکر نمی‌کند و کار باید انجام شود. موسوی افزود: پزشکیان در آن شرایط عملاً به موتور محرکه همه وزرا، معاونان و بخش‌های دولتی و حتی بخش‌هایی از مجموعه خصوصی تبدیل شده بود. جلسات مختلفی که در آن شرایط برگزار می‌شد و حضور او در میدان، حتی زیر بمباران، گواه این موضوع بود.

در مورد دروغ حتی مصلحت‌آمیزش هم اجازه نداریم

معاون مراسم و تشریفات دفتر رییس جمهور با بیان اینکه صداقت پزشکیان در برخی موارد کار را برای اطرافیان او سخت می‌کند، اظهار کرد: او دروغ نمی‌گوید و حتی اجازه نمی‌دهد ما دروغ مصلحت‌آمیز بگوییم. موسوی خاطره‌ای از یکی از سفرهای استانی رییس جمهور نقل کرد و گفت: اوایل یک برنامه در سفر استانی لغو شده بود و حدود نیم ساعت قبل از برنامه، موضوع مشخص شده بود. در همان شرایط عده‌ای دور رییس جمهور بودند و می‌خواستند او را نگه دارند. من به ایشان اشاره کردم که باید به برنامه بعدی برسیم و او نیز از جمع عذرخواهی کرد. وی افزود: وقتی گفتم برنامه بعدی دیدار با فلان مجموعه است که همین نیم ساعت پیش لغو شده، رییس جمهور خیلی صریح گفت «دروغ نگید». گفتم دکتر، دروغ نگفتیم؛ برنامه در دستور کار بود و لغو شد. این دوستان هم خلاصه ما را رها نمی‌کردند.

پزشکیان حاضر نیست برای افزایش محبوبیت، جمله‌های کلیشه‌ای بگوید

موسـوی ادامـه داد: در برخی موارد، کلمـات و جملات کلیشـه‌ای در سـخنرانی‌ها و دیدارها رایج است و گاهی مشاوران به روسای جمهور پیشنهاد می‌کردند که فلان کلیدواژه را بگویند تا در رسـانه‌ها برجسته شـود و از آن بهره‌برداری شود. پزشکیان حتی به این موضوع نیز راضی نیسـت که برای افزایش محبوبیت یا بالا رفتن سـرمایه اجتماعی شخصی خودش، چنین جملاتی را تکرار کند. آنچه خودش به آن رسیده و قبول دارد می‌گوید. موسوی تاکید کرد: سختی کار با پزشکیان این است که صداقت و صراحت دارد و در قاموس سیاست‌مداری رایج نمی‌گنجد. او سیاستمدار اسـت، اما به معنای رایج کلمه «سیاسی» نیست که همه‌چیز را سیاسی ببیند.

پزشکیان «دلی» کار می‌کند

وی افزود: شـاید یکی از دلایلی که مقام معظم رهبری به پزشکیان علاقه‌مند بوده‌اند همین باشد که او به معنای منفی کلمه سیاسی نیست؛ دلی کار می‌کند، دلی حرف می‌زند و دلی کارها را جلو می‌برد.

شفافیت درباره حوادث یک اقدام متفاوت در حکمرانی

موسوی با اشاره به یکی از حوادثی که در کشور رخ داده بود، گفت: در همان لحظات اولیه، دغدغه رییس جمهور این بود که مشخص شود موضوع چیست، راستی‌آزمایی انجام شود، حقایق روشن شود و حتماً با مردم در میان گذاشته شـود. وی ادامه داد: پس از آن، رییس جمهور کمیته‌ای تشکیل داد و اعلام کرد اسامی همه کسانی که جان خود را از دست داده‌اند، همراه با کد ملی آنها اعلام شود. به نظر من این یک کاری نو و جدید در حکمرانی بود. موسوی افزود: در همان زمان، رسانه‌های بیگانه به‌ویژه اینترنشنال، تعداد جان‌باختـگان را تا ۴۰ هزار نفر بالا برده بودند و بعدها نیز ترامپ به این آمارها استناد می‌کرد. شجاعت رییس جمهور و دستور او برای شفاف شدن موضوع و اعلام اسامی با کد ملی، عملاً خط بطلانی بر این فضاسازی کشید.

اقتصادکلان

بانک‌های مرکزی به سوی سیاست‌های انقباضی حرکت کردند

بانک‌های مرکزی بزرگ در سایه شوک قیمت انرژی که پس از تجاوز نظامی امریکایی صهیونی به ایران ایجاد شد، در مسیر اتخاذ سیاست‌های انقباضی (سخت‌گیرانه) قرار دارند. در همین راستا، فدرال رزرو، چهارشنبه گذشته، سیاست‌های خود را به سمت رویکردی محدودکننده‌تر تغییر داد، آن هم در شرایطی که معام